

[مقدمه واجب 2](#_Toc28606655)

[واجب نفسی و غیری 2](#_Toc28606656)

[حل اشکال عبادیت طهارات ثلاث 2](#_Toc28606657)

[منشا انحصار تعبدیت به امر ضمنی در کلام مرحوم نائینی 2](#_Toc28606658)

[حل اشکال تعبدیت طهارات ثلاث به بیان زائد 2](#_Toc28606659)

[اشکالات مرحوم آخوند به بیان زائد 3](#_Toc28606660)

[مختار استاد در قضاوت بین ادعای مرحوم شیخ و آخوند 3](#_Toc28606661)

[حل نشدن مشکل عبادیت طهارات ثلاث به بیان ثانی 4](#_Toc28606662)

[حل اشکال عبادیت طهارات ثلاث با امر نفسی و توصل به ذی المقدمه 5](#_Toc28606663)

[خلط بین مقام امتثال و منشا عبادیت 5](#_Toc28606664)

**موضوع**: حل اشکال عبادیت طهارات ثلاث /واجب نفسی و غیری /مقدمه واجب

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در مورد حل اشکال عبادیت طهارات ثلاث بود. مرحوم نائینی برای حل اشکال فرمودند: منشا تعبدیت طهارات ثلاث منحصر به امر ضمنی نفسی است که به ذی المقدمه تعلق گرفته است. استاد فرمود: منشا عبادیت طهارات ثلاث منحصر به امر ضمنی نفسی نیست؛ بلکه امر نفسی مستقل هم می­تواند موجب عبادیت بشود. در این جلسه به بررسی علت انحصار از منظر مرحوم نائینی پرداخته می­شود. همچنین دو راه حل دیگر برای حل اشکال عبادیت طهارات ثلاث بیان می­گردد.

# مقدمه واجب

## واجب نفسی و غیری

### حل اشکال عبادیت طهارات ثلاث

مرحوم نائینی فرمود[[1]](#footnote-1): منشا عبادیت طهارات ثلاث، امر ضمنی است که به ذی المقدمه تعلق گرفته است. ما گفتیم: منشا تعبدیت طهارات ثلاث، منحصر در این راه نیست؛ بلکه امر نفسی مستقل هم می­تواند منشا تعبدیت طهارات ثلاث قرار بگیرد. خلاف ارتکاز است که امر نفسی مستقل، موجب تعبدیت طهارات ثلاث نشود.

#### منشا انحصار تعبدیت به امر ضمنی در کلام مرحوم نائینی

علت انحصار تعبدیت طهارات ثلاث به امر ضمنی در کلام مرحوم نائینی این مطلب است: ایشان قائل است: لازمه تعبدیت طهارات ثلاث به امر نفسی این است که بتوانیم یک متعلق حکمی را به قصد امر به ذی المقدمه اتیان کنیم. مثلا بتوانیم نماز ظهر را به قصد امر به ذی المقدمه( نماز عصر) اتیان کنیم، در حالی که خلاف ارتکاز است؛ لذا فرموده است: منشا تعبدیت طهارات ثلاث منحصر در امر ضمنی است که به ذی المقدمه تعلق گرفته است.حتی قبل از دخول وقت نیز منشا عبادیت طهارات ثلاث، امر ضمنی نفسی است و استحباب نفسی را قبول نکرده است.

ما این اشکال را حل کردیم. هر چند که متعارف این است در وضو و غسل به قصد امر به ذی المقدمه اتیان می­کنند؛ اما این تعارف به خاطر غفلت از امر استحبابی است.

### حل اشکال تعبدیت طهارات ثلاث به بیان زائد

مرحوم شیخ فرموده است[[2]](#footnote-2): طهارات ثلاث از جهت تعبدیت اشکالی ندارند؛ زیرا مثلا مولا امر به نمازی که متوقف بر یک مقدمه قربی است، می­کند. بعد مولا می­بیند که مکلف متوجه این امر به اتیان قربی مقدمه(طهارات ثلاث) نمی­شود، برای رسیدن به اتیان قربی، به بیان زائدی احتیال می­کند. مثلا می­گوید: ای مکلف بدان که غرض من از این امر حاصل نمی­شود؛ مگر این که مقدمه (طهارات ثلاث) را بر وجه قربی( توصل به ذی المقدمه) اتیان کنی؛ لذا دور لازم نمی­آید؛ چون تعبدیت آنها با امر غیری تصحیح نشده است.

#### اشکالات مرحوم آخوند به بیان زائد

مرحوم آخوند می­فرماید[[3]](#footnote-3): اگر مولا بخواهد از امر اولی به ذی المقدمه، امر به مقدمه درست کند و بعد دوباره مولا بگوید: امر به طهارات ثلاث قربی است، معنا ندارد؛ زیرا ذات طهارات ثلاث مقدمه نیستند؛ پس با امر اول، امر به مقدمه تولید نمی­شود.

بله؛ در واجبات نفسی این ادعا مجال دارد. مثلا ذات نماز ملاک دارد و امر، به ذات صلات تعلق پیدا می­کند، بعد مولا می­بیند که مکلف به اتیان قربی کردن آن نمی­رسد، امر دومی صادر می­کند و می­گوید: آن امر اول را به قصد قربی اتیان کن؛ اما در محل کلام، از امر به نماز با طهارات قربی، امر به ذات طهارات تولید نمی­شود؛ چون ذات طهارات مقدمه نیستند.

مضافا به این که سلمنا امر به مقدمه تولید بشود؛ باز هم امر دوم غیری است و امر غیری که مقربیت ندارد؛ لذا امر اول که مجال ندارد و امر دوم نیز غیری است و معنا ندارد که مقربیت داشته باشد.

علاوه بر این، در بحث تعبدیت به امر ثانی یک اشکال عامی وجود دارد و اساسا متمم الجعل صحیح نیست. امر اول یا محرک هست که مطلوب ثابت است و اگر محرک نیست، امر دوم لغو است.

##### مختار استاد در قضاوت بین ادعای مرحوم شیخ و آخوند

به نظر ما مرحوم آخوند، کلام مرحوم شیخ را به درستی نقل نکرده است. مرحوم شیخ نمی­خواهد بگوید: امر اول به ذات طهارات تعلق گرفته است، تا مرحوم آخوند اشکال کند، ذات طهارات مقدمه نیستند. همچنین مرحوم شیخ نمی­خواهد بگوید: امر دوم بر ذات طهارات ثلاثی مترتب شده است که امر دارد، تا اشکال شود امر دوم غیری است و معنا ندارد که مقربیت داشته باشد.

مرحوم شیخ می­فرماید: امر به ذی المقدمه( نماز مقید به طهارات عبادی) به مقدمه واقعی( مثلا وضوی قربی) ترشح می­کند. یعنی امر نفسی که به ذی المقدمه تعلق گرفته است، به مقدمه واقعی( وضوی قربی نه ذات وضو) ترشح می­کند؛ اما چون مکلف این مطلب را نمی­فهمد، احتیال به بیان زائد کرده است. یعنی مولا می­گوید: ای مکلف بدان که مقدمه باید قربی اتیان شود. ادعای ایشان اصلا ربطی به تعلق امر به ذات مقدمه و امر دوم برای اتیان قربی ندارد.

ادعای مرحوم شیخ این است که امر به ذی المقدمه به مقدمه واقعی تعلق گرفته است نه ذات مقدمه. حال گاهی اوقات مقدمه واقعی قربی است و مکلف از آن اطلاع ندارد که با بیان زائد آن را حل می­کند و گاهی اوقات مقدمه واقعی قربی نیست و نیازی به بیان زائد ندارد.

بله؛ در کتاب طهارت مرحوم شیخ، تعبیر به ترشح امر به ذات مقدمه شده است و حق با مرحوم آخوند است؛ ولی مرحوم شیخ از آن تعبیر به امر تهیئی می­کند. علی ای حال مرحوم شیخ در کتاب طهارت و مطارح، تعلقِ امری که به مقدمه ترشح می­کند را به ذات مقدمه نمی­داند؛ بلکه به مقدمه واقعی می­داند؛ لذا اشکال مرحوم آخوند وارد نیست که امر اول درست نمی­شود. تشبیهِ محل کلام به واجب نفسی باعث شده است که مرحوم آخوند به اشتباه بیافتد.

##### حل نشدن مشکل عبادیت طهارات ثلاث به بیان ثانی

به نظر ما راه حل مرحوم شیخ مشکلی را حل نمی­کند. مشکل این بود: طهارات ثلاث مقدمه هستند و امر غیری دارند و امر غیری موجب تعبدیت نمی­شود؛ پس چرا طهارات ثلاث تعبدی هستند؟ مرحوم آخوند با امر نفسی مساله را حل کرد و مرحوم نائینی با امر ضمنی مساله را حل کرد. مرحوم شیخ می­خواهد با بیان زائد این مساله را حل کند، در حالی که این مشکل به بیان ثانی و زائد ربطی ندارد.

مشکلِ عبادیت طهارات ثلاث با مشکل بیان ثانی و متمم الجعل در واجبات نفسی متفاوت است و هم سنخ نیستند. در بحث قصد الامر گفته شد: قصد امر نمی­تواند جزئی از ماموربه باشد؛ زیرا منجر به غیر مقدور بودن یا دور می­شد و با متمم الجعل آن را حل می­کردند؛ اما در محل بحث، مشکل از جانب جعل نیست؛ بلکه از جانب مجعول است. یعنی شارع می­تواند این گونه حکم را جعل کند: طهارات ثلاث که مقدمه هستند را با قصد قربت امتثال کنید؛ اما باز هم اشکالِ محل کلام باقی است که چرا یک چیزی که مقدمه است و امر غیری دارد؛ مقربیت هم دارد؟ این که بگوییم با بیان زائد مولا فرموده است: آن امر غیری را قربی اتیان کنید، مشکل حل نمی­شود و هنوز جای سوال باقی است که چرا یک چیزی که مقدمه است و امر غیری دارد، مقربیت هم دارد؟

نتیجه: ادعای مرحوم شیخ از اشکالات مرحوم آخوند مبرا است؛ ولی مشکل را حل نمی­کند. ظاهر کلام مرحوم شیخ در مطارح نیز این است که ایشان خیلی راضی به این وجه نیست و امر به تامل و تفصی از اشکال تعبدیت طهارات ثلاث کرده است.

### حل اشکال عبادیت طهارات ثلاث با امر نفسی و توصل به ذی المقدمه

مرحوم خویی فرموده است[[4]](#footnote-4): امر غیری موجب مقربیت نمی­شود. مثلا اگر مولا بفرماید: ادخل السوق و اشتر الحم و عبد هم بگوید: چون که مولا گفته است ادخل السوق، من داخل سوق می­شوم، ثواب ندارد؛ زیرا امر غیری مطلوبیت نفسی ندارد. حتی ما(استاد) گفتیم: اگر مقدمه را انجام بدهد و عمدا ذی المقدمه را انجام ندهد، عقلاء او را توبیخ می­کنند؛ پس امر غیری مقربیت نمی­آورد و نمی­تواند منشا عبادیت طهارات ثلاث بشود.

منشا عبادیت طهارات ثلاث یا امر نفسی است و یا قصد توصل به ذی المقدمه است(علی سبیل منع الخلو). اگر مکلفی وضو را به قصد این که امر نفسی دارد، امتثال کند هر چند که غافل از مقدمیت آن باشد، مقربیت دارد. همچنین اگر مکلف به قصد توصل به ذی المقدمه وضو بگیرد و در نیتش این باشد که قصد امر نفسی نکرده است، باز هم مقربیت دارد؛ پس منشا عبادیت طهارات ثلاث یا امر نفسی است و یا قصد توصل به ذی المقدمه است.

#### خلط بین مقام امتثال و منشا عبادیت

به نظر ما بین مقام امتثال و منشا عبادیت طهارات ثلاث خلط شده است. بلا اشکال اگر کسی در مقام امتثال قصد توصل به ذی المقدمه داشته باشد، امتثال قربی کرده است؛ اما منشا عبادیت طهارات ثلاث، قصد توصل به ذی المقدمه نمی­تواند باشد. به نظر ما منشا عبادیت طهارات ثلاث، غرض قربی است. یعنی در صورتی غرض حاصل می­شود که نمازِ مقید به طهارات قربی امتثال شود. ما با مرحوم نائینی در این نکته موافق هستیم که امر نفسی به ذی المقدمه باعث قربی شدن طهارات ثلاث شده است؛ اما اولا مرحوم نائینی می­فرماید: یک بخشی از امر ضمنی شامل طهارات ثلاث شده است و ما می­گوییم نیاز به این بخش از امر ضمنی نداریم؛ بلکه خود امر نفسی به یک نحوی است که ساقط نمی­شود مگر این که طهارات به صورت قربی اتیان شود. صرف این کیفیت امر، موجب تعبدی شدن می­شود و نیاز نداریم که بگوییم یک بخشی از امر ضمنی شامل طهارات ثلاث شده است.

ثانیا مرحوم نائینی فرمود: امر نفسی نمی­تواند منشا قربیت طهارات ثلاث بشود، ما می­گوییم: امر نفسی هم می­تواند منشا عبادیت طهارات ثلاث بشود.

اگر از ما سوال بپرسند که چرا طهارات ثلاث تعبدی هستند؟ در جواب می­گوییم: چون امر به نمازِ مقید به طهارات قربی تعلق گرفته است و یا امر نفسی دارند.

1. [اجود التقریرات، نائینی، ج1، ص175.](http://lib.eshia.ir/10057/1/175/بیان) [↑](#footnote-ref-1)
2. مطارح الانظار ج 1 ص 351 [↑](#footnote-ref-2)
3. [کفایه الاصول، آخوند خراسانی، ج1، ص112.](http://lib.eshia.ir/27004/1/112/ربما) [↑](#footnote-ref-3)
4. [محاضرات فی الاصول، الخوئی، السید ابولقاسم، ج2، ص401.](http://lib.eshia.ir/13106/2/401/الخلو) [↑](#footnote-ref-4)